



در سینما داشت

در سریال «عطر گل یاس» تعداد زیادی از بهترین‌های سینما و تئاتر مثل اکبر زنجانیور، زنده یاران داود رشیدی و اسماعیل سنگله و دیگر بزرگان حضور داشتند که به موفقیت سریال خیلی کمک کرد؟

بله، هم حضور این بزرگان و هم متن و کارگردانی زنده یاد زرین پور در این موفقیت نقش داشت.

از این سریال خاطره‌ای دارید؟

یکی از لوکیشن‌های اصلی بیمارستانی بود که قسمتی را مدیریت بیمارستان برای فیلمبرداری در اختیار گروه قرار داد و بعد متوجه شدیم این قسمت سردخانه بیمارستان بوده و ناهار و شام را در همین لوکیشن می‌خوردیم!

در سریال «آوای فاخته» هم حضور موفق داشتید؟

البته در این سریال علی‌رغم حضور پروانه معصومی، من نقش زن شخصیت اصلی (مرحوم منوچهر حامدی) را بازی کردم که بازتاب‌های مثبتی داشت.

در سینمای اجتماعی با حضور در فیلم‌هایی مثل «دختری با کفش‌های کنانی» نیز تجارب موفق داشتید؟

تا به امروز بیش از ۲۵ فیلم سینمایی بازی کرده‌ام و همه آنها فیلم‌های قابل دفاع و خوبی هستند.

قطعا یکی از این فیلم‌های خوب شما فیلم «برج مینوی» ابراهیم حاتمی‌کیا است.

حاتمی‌کیا کارگردان با دقت و مسلطی بود و رابطه خوب و توأم با احترامی با من داشت. یادش بخیر، من در این فیلم نقش مادر علی مصفارا بازی کردم.

در چند سریال که در دهه‌های شصت و هفتاد نظیر «آوای فاخته» بازی کردید نقش زنان جوان بود اما در سالهای بعد فقط در نقش مادر بازی کردید دلیل تغییر چنین رویکردی چه بود؟

ترجیح می‌دادم مادر بازی کنم و این جور راحت‌تر بودم. یعنی دیگر علاقه‌ای به ایفای نقش‌های تینیجری در سالهای

دور تر نداشتید؟

در شرایط سینما و تلویزیون آن دوره این نوع نقش‌ها کمتر وجود داشت و مثل حالا نبود که جوانها شخصیت محوری فیلمها به‌شوند. بازی من در نقش مادر با سریال «خاله جان» شروع شد. بعد از این حضور مدام این نوع نقش‌ها پیشنهاد شد و من این روند را ادامه دادم. دوستان کارگردان هم من را با چنین نقش‌هایی قبول کرده بودند.

همان طوری که در بالا اشاره کردید در خیلی از فیلمها نقش مادر بازیگران صاحب نام و ستاره را بازی کردید. با کدامیک راحت تر بودید؟

همه‌شان خوب و درجه یک هستند. اما اکبر عبدی تفاوت دارد و بازیگر مقابلش باید بتواند از پس بازی مقابل او بر بیاید. اکبر عبدی شخصیت شیرین و جذابی دارد و هر موقع که با اکبر عبدی همبازی شدم راحت و آسوده بودم که بازیگری کار بلد جلویم بازی می‌کند. در چهار فیلم سینمایی و سه سریال تلویزیونی با عبدی همبازی بودم که همه‌شان کما و بیش کارهای موفق بودند و مردم دوستشان داشتند.

با کامبیز دیرباز هم به عنوان بازیگری جوان در دو سه فیلم و سریال همبازی بودید.

کامبیز دیرباز بازیگر خوش مشرب و درجه یکی است و با او سر کار خوش می‌گذرد اما مقوله شهاب حسینی فرق می‌کند. با او دوران خوشی را در «شوق پرواز» تجربه کردم. از نظر اخلاقی درجه یک و یک پارانتر همراه و دلسوزی است. با محمدرضا فروتن، عرب نیا هم همکاری خوبی داشتیم که در ذهنم مانده است.

با محمدحسن معجونی در فیلم «خوک» هم رابطه مادر فرزندی جذابی را شکل دادید؟

در «خوک» با مانی حقیقی خیلی راحت بودم و اینکه نوه چه کسی و پسر چه کسی است در رفتارش غروری ایجاد نمی‌کند و به عنوان یک هنرمند شخصیت مستقلی دارد.

با کدامیک از بازیگران زنی که کار کردید راحت تر بودید؟ در سریال «بله» دوران جذابی را با هانیه توسلی داشتیم و دختر

خوب و حرفه‌ای است. کار کردن با میترا حجار هم برایم خوشایند بود. یکی از ویژگی‌های متفاوت بازیگری شما تسلط و احاطه به استفاده از لهجه به شکل درستش است. آیا به لهجه گویی هم در بازی‌های تان علاقه دارید؟

موقعی که قرار است در سریالی نقشی را بازی کنم که لهجه دارد. درباره لهجه مورد نظر تمرینات زیادی انجام می‌دهم و به محض شنیدن لهجه‌ای سریع آن را در ذهنم ذخیره می‌کنم و تبدیل به همان شخصیت با ویژگی‌های گفتاری و لهجه می‌شوم. لهجه‌ای که درست و منطبق بر حقیقت گفتاری آدم‌هایی است که از آن لهجه استفاده می‌کنند. در سریال «دیوار شیشه‌ای» نقشی بازی کردم که کرمانشاهی بود و کارگردان تاکید داشت که باید از لهجه استفاده کنم.

شخصیت خاله در سریال «خاله جان» با نوع تفکرات و برخورد هایش با عروسی حسابی بازی شما را بین مردم در دهه هفتاد محبوب کرد؟

این کار چون قرار بود برای پخش در عید آماده شود در سی و هفت روز فیلمبرداری شد. برخی از روزها به علت فشردگی نمی‌توانستیم خانه برویم و استراحت و تمدد قوایی داشته باشیم. علی‌رغم این سختی حضور اکبر عبدی باعث شد حال همه‌مان در حین کار خوش باشد.

آیا در این سریال منوچهر پورا احمد دست شما و اکبر عبدی را برای بداهه باز گذاشته بود؟

فیلمنامه یک ساختاری داشت و ما بر اساس آن در خیلی از صحنه‌ها بداهه کار می‌کردیم. منوچهر پورا احمد من و عبدی را آزاد گذاشته بود تا بداهه داشته باشیم. بده و بستان بازیگری دو نفره ما چون من شناخت از نحوه بداهه گویی عبدی داشتیم به درستی شکل گرفت.

این پیش بینی را داشتید سریال در زمان پخشش اینقدر موفق باشد؟

نه؛ به عبدی می‌گفتم بازی‌ات به هدر رفت و عبدی مدام به من امید می‌داد که کار خوب می‌شود. البته این شک من به موفقیت کار به دلیل شتابی بود که در تولیدش داشتیم.

سریال «هتل پیاده رو» دوباره زوج موفق شما و عبدی در قالب مادر و فرزند دوباره شکل گرفت.

یک روز عبدی خانه ما بود و بهممن ایده را مطرح کرد و همه از آن استقبال کردیم. اولش قرار بود سریال در قشم فیلمبرداری شود که بعدا به کیش منتقل شد.

استفاده از لهجه آذری برای این مادر و فرزند پیشنهاد چه کسی بود؟

ایده‌اش به همان سریال «خاله جان» و جواب دادنش برمی‌گردد. به نظر من «هتل پیاده رو» ادامه سریال «خاله جان» بود.

استفاده از لهجه به غیر از جذابیت‌های شنیداری برای مخاطب چه ویژگی‌های دیگری دارد؟

نقش را رنگ آمیزی می‌کند و باعث تنوع نقش می‌شود. به چه دلیل در این سالها اغلب نقش‌هایی که مخصوص شخصیت‌های با تجربه است شبیه به هم هستند؟

طبیعی است که برای بازیگری سن بالا تنوع کارا کتری چندانی وجود نداشته باشد و کمتر پیش می‌آید نقشی چند لایه و جذاب در فیلمنامه‌ای برای این رده سنی نوشته شود و این نوع نقش‌ها در بیشتر موارد شبیه هم هستند.

در کارهایی که بازی داشتید این توانایی را نشان دادید که هم نقش مادران امروزی و مرفه را بازی کنید و هم مادران طبقه پایین و جنوب شهری، این مسئله چقدر برایتان حائز اهمیت است؟

من این تنوع نقشی را هر چند نه چندان گسترده و وسیع اما دوست دارم. نکته مهم داستان و قصه فیلم در کنار نام، اعتبار و تسلط کارگردان بر فیلم و یا مجموعه‌اش است. من زیاد به انتخاب شخصی و سلیقه‌ای اعتقاد ندارم و به‌نظم باید ملاک‌های استاندارد را برای قبول یک پیشنهاد کاری در نظر گرفت.

چند تجربه بازی در سریال‌های نمایش خانگی هم دارید این تجربه برایتان چگونه بود؟

این سریالها کیفیت بهتری نسبت به کارهای تلویزیونی دارند و سریال سازی در پلتفرم‌ها در دنیا هم رواج دارد.

کدامیک از کارتان علاقه بیشتری دارید؟

به اغلب کارهایم علاقه دارم اما بازی‌هایم در «حس پنهان»، «خورشید خانوم» و «کبفر» را خیلی بیشتر دوست دارم.

این روزها به چه کاری مشغول هستید؟

درگیر مداوای بیماری قلبی و نارسایی اش هستم.

رابطه تان با نوه‌تان چگونه است؟

عالی، با هم پیاده روی می‌رویم و موقعی که وقت دکتر دارم من را می‌رساند و مراقبم است.